

آیه ۷۴

آیه و ترجمه

ثم بعثنا من بعده رسلا الى قومهم فجاءوهم بالبينت فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذاک نطبع علی قلوب المعتدين

ترجمه :

۷۴ - سپس بعد از نوح رسولانی به سوی قومشان فرستادیم آنها با دلایل روشن به سراغ آنها رفتند، اما آنان به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند ایمان نیاوردند اینچنین بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم (تا چیزی رادرک نکنند!)

تفسیر :

رسولان بعد از نوح

پس از پایان بحث اجمالی پیرامون سرگذشت نوح، اشاره به پیامبران

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۵۴

دیگری که بعد از نوح و قبل از موسی (مانند ابراهیم و هود و صالح و لوط و یوسف) برای هدایت مردم آمدند کرده می گوید:  
«سپس بعد از نوح رسولانی به سوی قوم و جمعیتشان فرستادیم» (ثم بعثنا من بعده رسلا الى قومهم).  
«آنها با دلائل روشن و آشکار به سوی قومشان آمدند» و مانند نوح با سلاح منطق و اعجاز و برنامه های سازنده مجهز بودند (فجاءوهم بالبينات).  
«ولی آنها که راه عناد و لجاج را می پوئیدند و در گذشته به تکذیب پیامبران پیشین برخاسته بودند، این پیامبران را نیز تکذیب کردند و به آنها ایمان نیاوردند» (و فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل).  
این به خاطر آن بود که بر اثر عصیان و گناه و دشمنی با حق پرده بر دلهای آنها افتاده بود آری این چنین بر دلهای متجاوزان مهر می زنیم (كذاک نطبع علی قلوب المعتدين).

نکته ها

در اینجا به دو نکته باید توجه کرد:

۱ - جمله «فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل» اشاره به این می کند که گروهی در میان امتهای بوده اند که در برابر دعوت هیچ پیامبر و مصلحی

سرتسلیم فرود نمی‌آوردند، و همچنان بر سر حرف خود ایستاده بودند، و تکرار دعوت انبیاء در آنها کمترین اثری نمی‌گذاشت، بنابراین جمله مزبور اشاره به گروهی می‌کند که در دو زمان در برابر دعوت پیامبران مختلف قرار گرفتند، (زیرا ظاهر جمله این است که مرجع همه ضمائریکی است). این احتمال نیز در معنی آیه داده شده است که اشاره به دو گروه مختلف می‌کند گروهی در زمان نوح بودند و دعوت او را تکذیب کردند و گروهی که بعد از آنها به وجود آمدند با انکار و تکذیب پیامبران راه آنان را پیمودند،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۵۵

بنابراین معنی جمله چنین می‌شود: «تجاوز کاران اقوام دیگر، از ایمان آوردن به چیزی که اقوام پیشین، خود داری کرده بودند سرباز زدند» البته با توجه به اینکه مخالفان دعوت نوح در طی طوفان از میان رفتند، این احتمال در تفسیر آیه قوت پیدا می‌کند، ولی به هر حال لازمه آن این است که در میان مرجع ضمیرهای جمله (واو جمع در کانوا، و لیؤمنوا، و کذبوا) تفکیک قائل شویم.

۲ - روشن است که جمله «کذلک نطیع علی قلوب المعتدین» دلیل بر جبر نیست و تفسیر آن در خودش نهفته است زیرا می‌گوید ما بر دل‌های «تجاوز کاران» مهر می‌نهیم تا چیزی را درک نکنند، بنابراین قبلاً تجاوزهای پی در پی به حریم احکام الهی و حق و حقیقت از آنها صادر می‌شود، و تدریجاً بر دل‌های آنها اثر می‌گذارد و قدرت تشخیص حق را از آنان می‌گیرد و کارشان به جایی می‌رسد که سرکشی و عصیان و گناه برای آنها خوی و طبیعت ثانوی می‌شود، چنانکه در مقابل هیچ حقیقتی تسلیم نمی‌شوند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۵۶

آیه ۷۵-۷۸

آیه و ترجمه

۷۵ ثم بعثنا من بعدهم موسی و هارون الی فرعون و ملایه بایتنا فاستکبروا و کانوا قوما مجرمین  
۷۶ فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا ان هذا لسكر مبین

۷۷ قال موسیٰ ائتقلون للحق لما جاءکم اءسحر هذا و لا یفلح السحرون  
۷۸ قالوا اءجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه ءاباءنا و تكون لکمما الکبریا فی الارض و  
ما نحن لکمما بمؤمنین

ترجمه :

۷۵ - بعد از آنها موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیاناش  
فرستادیم، اما آنها تکبر کردند (و زیر بار حق نرفتند چرا که) آنها گروهی مجرم  
بودند.

۷۶ - و هنگامی که حق از نزد ما به سراغ آنها آمد گفتند این سحر  
آشکاری است!

۷۷ - (اما) موسی گفت آیا حق را که به سوی شما آمده سحر می شمیرید؟ این  
سحر است؟ در حالی که ساحران رستگار (و پیروز) نمی شوند؟.

۷۸ - گفتند آیا آمده ای که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم  
منصرف سازی، و بزرگی (و ریاست) در روی زمین از آن شما باشد؟ ما به شما  
ایمان نمی آوریم!

تفسیر :

### بخشی از مبارزات موسی و هارون

در ذکر داستانهای انبیاء و امتهای پیشین به عنوان الگوها و نمونه های  
زنده نخست سخن از نوح، و سپس پیامبران بعد از نوح، به میان آمد، اکنون  
در این آیات نوبت موسی و هارون و مبارزات پیگیرشان با فرعون و  
فرعونیان است .

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۵۷

در نخستین آیه می گوید: «سپس بعد از رسولان پیشین، موسی و هارون  
رابه سوی فرعون و ملا او همراه با آیات و معجزات فرستادیم» (ثم بعثنا  
من بعدهم موسی و هارون الی فرعون و ملائه بایاتنا).

«ملا» همانگونه که سابقا هم اشاره کرده ایم به اشراف پر زرق و برق  
گفته می شود که ظاهرشان چشم پر کن و حضورشان در اجتماع در همه جا  
دید می شود، و معمولا در آیاتی از قبیل آیات مورد بحث به معنی دار و دسته  
و اطرافیان و مشاوران می آید.

و اگر می بینیم تنها سخن از بعثت موسی به سوی فرعون و ملا به میان  
آمده در حالی که موسی مبعوث به همه فرعونیان و بنی اسرائیل بود، به خاطر

آن است که نبض جامعه‌ها در دست هیئتهای حاکمه و دارو دسته آنها است، بنابراین هر برنامه اصلاحی و انقلابی اول باید آنها را هدف گیری کند، چنانکه آیه ۱۲ سوره توبه نیز می‌گوید فقاتلوا ائمة الکفر: «با سردمداران کفر پیکار کنید».

اما فرعون و فرعونیان از پذیرش دعوت موسی و هارون سرباز زدند، و ازاینکه در برابر حق سر تسلیم فرود آورند، تکبر ورزیدند» (فاستکبروا). آنها به خاطر کبر و خود برتر بینی و نداشتن روح تواضع، واقعیت‌های روشن رادر دعوت موسی نادیده گرفتند و به همین دلیل این قوم مجرم و گنهگار همچنان به جرم و گناهشان ادامه دادند (و کانوا قوما مجرمین). آیات بعد، از مبارزات چند مرحله‌ای فرعونیان با موسی و برادرش هارون سخن می‌گوید که مرحله نخستین آن انکار و تکذیب و افترا و متهم ساختن آنان به سوء نیت و به هم ریختن سنت نیاکان و اخلال در نظام اجتماعی بوده است، چنانکه

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۵۸

قرآن می‌گوید:

«هنگامی که حق از نزد ما به سوی آنها آمد (با اینکه آنرا از چهره‌اش شناختند) گفتند این سحر آشکاری است»! (فلما جائهم الحق من عندنا قالوا ان هذا لسحر مبين).

جاذبه و کشش فوق‌العاده دعوت موسی از یک طرف و معجزات چشمگیرش از طرف دیگر، و نفوذ روز افزون و خیره کننده‌اش از طرف سوم، سبب شد که فرعونیان به فکر چاره بیفتند و وصله‌ای بهتر از این پیدانکردند که او را ساحر و عملش را سحر بخوانند، و این تهمت چیزی است که در سرتاسر تاریخ انبیاء مخصوصا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) دیده می‌شود.

اما «موسی» (علیه السلام) در مقام دفاع از خویش برآمد، با بیان دو دلیل پرده‌ها را کنار زده و دروغ و تهمت آنها را آشکار ساخت. نخست «به آنها گفت آیا شما نسبت سحر به حق می‌دهید؟ آیا این سحر است و هیچ شباهتی با سحر دارد» (قال موسی اتقولون للحق لما جائکم اسحر هذا).

یعنی درست است که «سحر» و «معجزه» هر دو نفوذ دارند این «حق» و «باطل» هر دو ممکن است مردم را تحت تأثیر قرار

دهندولی چهره سحر که امر باطلی است با چهره معجزه که حق است کاملاً از هم متمایز می‌باشد، نفوذ پیامبران با نفوذ ساحران قابل مقایسه نیست، اعمال ساحران کارهایی بی‌هدف، محدود و کم‌ارزش است، ولی معجزات پیامبران هدفهای روشن اصلاحی و انقلابی و تربیتی دارد و در شکلی گسترده و نامحدود، عرضه می‌شود.

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۵۹

به علاوه «ساحران هرگز رستگار نمی‌شوند» (و لا یفلح الساحرون). این تعبیر در واقع دلیل دیگری بر تمایز کار انبیاء از سحر است، در دلیل سابق از تفاوت سحر و معجزه و چهره و هدف این دو، جدائیشان از یکدیگر اثبات شده، اما در اینجا از تفاوت حالات و صفات آورندگان سحر و آورندگان معجزه برای اثبات مطلب استمداد می‌شود.

ساحران به حکم کار و فنشان که جنبه انحرافی و اغفالگرانه دارد، افرادی سود جو، منحرف، اغفالگر و متقلبند که آنها را از خلال اعمالشان می‌توان شناخت اما پیامبران مردانی حق طلب، دلسوز، پاکدل، باهدف و پارسا و بی‌اعتنا به امور مادی هستند.

ساحران هرگز روی رستگاری را نمی‌بینند و جز برای پول و ثروت و مقام و منافع شخصی کار نمی‌کنند، در حالی که هدف انبیاء هدایت و منافع خلق خدا و اصلاح جامعه انسانی در تمام جنبه‌های معنوی و مادی است. سپس سیل تهمت خود را به سوی موسی ادامه دادند، و صریحاً به او گفتند: «آیا تو می‌خواهی ما را از راه و رسم پدران و نیاکانمان منصرف سازی؟» (قالوا اجئتنا لتلفتنا عما وجدنا علیه آبائنا).

در واقع بت «سنتهای نیاکان و عظمت خیالی و افسانه‌ای آنها را پیش کشیدند تا افکار عامه را نسبت به موسی و هارون بدبین کنند که آنها می‌خواهند با مقدسات جامعه و کشور شما بازی کنند. سپس ادامه دادند دعوت شما به دین و آئین خدا دروغی بیش نیست، اینها همه دام است، و نقشه‌های خائنانانه «برای اینکه در این سرزمین حکومت کنید» (و تكون لکما الکبریا فی الارض). در حقیقت آنها چون خودشان هر تلاش و کوششی داشتند برای حکومت

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۰

ظالمانه بر مردم بود، دیگران را نیز چنین می‌پنداشتند و تلاشهای مصلحان و پیامبران را همینگونه تفسیر می‌کردند.

اما بدانید «ما به شما دو نفر هرگز ایمان نمی‌آوریم» زیرا دست شما را خوانده‌ایم و از نقشه‌های تخریبیتان آگاهیم (و ما نحن لکما بمؤمنین). و این نخستین مرحله مبارزه آنها با موسی بود.

آیه ۷۹-۸۲

آیه و ترجمه

۷۹ و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم  
۸۰ فلما جاء السحرة قال لهم موسی اءلقوا ما اءنتم ملقون  
۸۱ فلما اءلقوا قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل  
المفسدین  
۸۲ و یحق الله الحق بکلمته و لو کره المجرمون  
ترجمه :

۷۹ - فرعون گفت هر جادوگر (و ساحر) آگاهی را نزد من آورید.  
۸۰ - هنگامی که ساحران آمدند موسی به آنها گفت آنچه (از وسایل سحر) می‌توانید بیفکنید، بیفکنید!  
۸۱ - هنگامی که افکندند موسی گفت آنچه شما آوردید سحر است، که خداوند به زودی آنرا ابطال می‌کند، چرا که خداوند عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند.  
۸۲ - و حق را به وعده خویش تحقق می‌بخشد هر چند مجرمان اکراه داشته باشند.

تفسیر :

مرحله دوم مبارزه با موسی

این آیات مرحله دیگر مبارزه را تشریح می‌کند و سخن از اقدامات عملی

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۱

فرعون بر ضد موسی و برادرش هارون می‌گوید.  
هنگامی که فرعون قسمتی از معجزات موسی مانند ید بیضاء و حمله مارعظیم را ملاحظه کرد و دید ادعای موسی بدون دلیل هم نیست و این دلیل کم و بیش در جمع اطرافیان او و یا دیگران اثر خواهد گذاشت، به فکرپاسخگوئی عملی افتاد، چنانکه قرآن می‌گوید: فرعون صدا زد، تمام ساحران آگاه و دانشمند را نزد من آورید، تا بوسیله آنها زحمت موسی را از خود دفع کنم (و

قال فرعون ائتونی بکل ساحر علیم).

او می‌دانست هر کاری را باید از طریقش وارد شد و از کارشناسان آن فن باید کمک گرفت.

آیا برآستی فرعون در حقانیت دعوت موسی شک داشت و می‌خواست از این طریق او را بیازماید؟ و یا می‌دانست او از سوی خدا است ولی فکر می‌کرد، بوسیله غوغای ساحران می‌تواند مردم را آرام سازد، و موقتاً از خطر نفوذ موسی در افکار عمومی جلوگیری کند، به مردم بگوید اگر او کارخارق عادت‌ی انجام می‌دهد، ما نیز از انجام مثل آن نا توان نیستیم! و اگر اراده ملوکانه ما تعلق گیرد، چنین چیزی برای ما سهل و آسان است.

احتمال دوم به نظر نزدیکتر می‌رسد و سایر آیات مربوط به داستان موسی که در سوره طه و امثال آن است این نظر را تأیید می‌کند، که او آگاهانه به مبارزه با موسی برخاست.

به هر حال «هنگامی که ساحران در روزی که برای این مبارزه تاریخی تعیین شده بود و دعوت عمومی نیز از مردم به عمل آمده بود، گرد آمدند، موسی رو به آنها کرد و گفت: نخست شما آنچه می‌توانید به میدان آورید» (فلما جاء السحرة قال لهم موسی القوا ما انتم ملقون).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۲

جمله «القوا ما انتم ملقون» معنی اصلیش این است که آنچه شما می‌توانید بیفکنید، بیفکنید، و این اشاره به طنابها و عصاهای مخصوصی است که درون آنها خالی بود، و مواد شیمیائی مخصوصی در آن ریخته بودند که در مقابل تابش آفتاب موجب حرکت و جنب و جوش آنها می‌شد.

شاهد این گفتار آیاتی است که در سوره اعراف و شعراء آمده است، در آیه ۴۳ و ۴۴ سوره شعراء می‌خوانیم قال لهم موسی القوا ما انتم ملقون فالقوا حبالهم و عصیهم و قالوا بعزة فرعون انا لنحن الغالبون: «موسی به آنها گفت آنچه می‌توانید بیفکنید بیفکنید و سپس آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند به عزت فرعون ما پیروزیم.

ولی البته این معنی را نیز در درون دارد که هر چه در قدرت دارید به میدان بیاورید.

به هر حال آنها آنچه را در توان داشتند بسیج کردند و همه وسائلی را که با خود آورده بود به وسط میدان افکندند، «در این هنگام موسی به آنها گفت: آنچه

را شما در این میان آورده‌اید سحر است و خداوند بزودی آنرا ابطال می‌کند»  
(فلما القوا قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله)  
شما افرادی فاسد و مفسدید چرا که در خدمت یک دستگاه جبار و ظالم و طاغی هستید و علم و دانش خود را برای تقویت پایه‌های این حکومت خودکامه، فروخته‌اید، و این خود بهترین دلیل بر مفسد بودن شما است، «و خداوند عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند» (ان الله لا یصلح عمل المفسدین).  
در واقع هر کس در آنجا عقل و هوش و دانشی داشت، حتی پیش از غلبه موسی بر ساحران می‌توانست این حقیقت را دریابد که عمل ساحران عمل بی‌اساسی است، به دلیل اینکه در راه تقویت پایه‌های ظلم و ستم قرار گرفته بود، چه کسی

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۳

نمی‌دانست که فرعون غاصب و غارتگر و ظالم و مفسد است، آیا خدمتگزاران چنین دستگاهی شریک در ظلم و فساد او نبودند؟ و آیا ممکن بود عمل آنها یک عمل صحیح و الهی باشد؟ هرگز نه، بنابراین پیدا بود که خداوند این تلاش مفسدانه را باطل خواهد کرد.

آیا تعبیر به «سیبطله» (خداوند بزودی آنرا باطل می‌کند) دلیل بر این است که سحر واقعیت دارد اما خدا می‌تواند آنرا ابطال کند؟ و یا اینکه منظور از این جمله آن است که خداوند باطل بودن آن را آشکار می‌سازد؟

آیه ۱۱۶ سوره اعراف می‌گوید سحر ساحران در چشمهای مردم اثر گذاشت و آنها را به وحشت افکند (فلما القوا سحروا عین الناس واسترهبوهم) ولی این تعبیر منافات با آن ندارد که آنها با یک سلسله وسائل مرموز آنچنان که در مفهوم و معنی لغوی «سحر» افتاده است، مخصوصاً با استفاده از خواص فیزیکی و شیمیایی اجسام مختلف، یک رشته حرکات واقعی در آن طنابها و عصاها ایجاد کرده باشند، ولی مطمئناً این طنابها و عصاها موجودات زنده‌ای آنچنان که در چشم ظاهر بینان جلوه می‌کرد نبودند، چنانکه قرآن در سوره طه آیه ۶۶ می‌گوید: فاذا حبالهم وعصیهم یخیل الیه من سحرهم انها تسعی: «در آن هنگام طنابها و عصاهای جادوگران بر اثر سحر خیال می‌شد که موجودات زنده‌ای است و می‌دود»!

بنابراین بخشی از تاءثیر سحر واقعیت دارد و بخشی وهم و خیال است.



و در آخرین آیه می‌فرماید: موسی به آنها گفت در این درگیری و مبارزه مطمئناً پیروزی با ما است، چرا که «خداوند وعده داده است که حق را آشکار سازد و بوسیله منطق کوبنده و معجزات قاهره پیامبرانش، مفسدان و باطل‌گرایان را رسوا کند، هر چند مجرمانی همچون فرعون و ملاش اکراه داشته باشند» (و یحق الله الحق بکلماته و لو کره المجرمون).

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۴

منظور از بکلماته یا وعده خدا در زمینه پیروزی رسولان بر حق است و یامعجزات قاهره و نیرومند او است.

آیه ۸۳ - ۸۶

آیه و ترجمه

۸۳ فما آمن لموسی الا ذریة من قومه علی خوف من فرعون و ملایهم  
ان یفتنهم و ان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرین  
۸۴ و قال موسی یقوم ان کنتم ءامنتم بالله فعلیه توکلوا ان کنتم مسلمین  
۸۵ فقالوا علی الله توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظلمین  
۸۶ و نجنا برحمتک من القوم الکفرین  
ترجمه :

۸۳ - (در آغاز) هیچکس به موسی ایمان نیاورد مگر گروهی از فرزندان قوم او، (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیان‌ش مبادا آنها را (با فشار و یا تبلیغات گمراه کننده) از آئینشان منحرف سازند، فرعون برتری جوئی (و طغیان) در زمین داشت، و او از اسرافکاران بود.  
۸۴ - موسی گفت: ای قوم من! اگر شما ایمان به خدا آورده‌اید بر او توکل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید.  
۸۵ - گفتند تنها بر خدا توکل داریم پروردگارا ما را تحت تاءثیر گروه ستمگر قرار مده.  
۸۶ - و ما را به رحمتت از (دست) گروه کافران رهائی بخش.

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۵

تفسیر:

سومین مرحله مبارزه موسی با طاغوت مصر

در این آیات مرحله دیگری از داستان مبارزات انقلابی موسی و فرعون منعکس

شده است.

در آغاز وضع نخستین گروه ایمان آورندگان به موسی را بیان می کند و می گوید «بعد از این ماجرا تنها گروهی که به موسی ایمان آوردند، فرزندان از قوم او بودند» (فما آمن لموسی الا ذریه من قومه). این گروه کوچک و اندک که به مقتضای ظاهر کلمه ذریه، بیشتر از جوانان و نوجوانان تشکیل می شدند، تحت فشار شدیدی از ناحیه فرعون و اطرافیان قرار داشتند، و هر زمان «از این بیم داشتند که دستگاه فرعون با فشارهای شدیدی که روی مؤمنان وارد می کرد، آنان را وادار به ترک آئین و مذهب موسی کند» (علی خوف من فرعون و ملائهم ان یفتنهم). چرا که «فرعون مردی بود که در آن سرزمین برتری جوئی داشت» (و ان فرعون لعال فی الارض). «و اسرافکار و تجاوز کار بود و هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی شناخت» (و انه لمن المرفین). در اینک این ذریه که به موسی ایمان آوردند چه گروهی بودند و ضمیر من قومه به چه کسی (به موسی یا به فرعون) بازگشت می کند، در میان مفسران گفتگو است. بعضی خواسته اند بگویند این گروه نفرات اندکی از قوم فرعون و قبطیان بودند، مانند مؤمن آل فرعون، و همسر فرعون و مشاطه او و کنیزش، و ظاهرا

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۶

دلیل انتخاب این نظر آن است که بنی اسرائیل، بیشتر نفراتشان ایمان آوردند، و این متناسب با تعبیر «ذریه من قومه» نیست، زیرا این گروه کوچکی را می رساند. ولی بعضی دیگر معتقدند که این گروه از بنی اسرائیل بودند، و ضمیر به موسی بر می گردد، چرا که قبل از آن نام موسی ذکر شده، و طبق قواعد ادبی ضمیر باید به او باز گردد. شک نیست که معنی دوم با ظاهر آیه موافقتر است، شاهد دیگری که آن راءء یبید می کند آیه بعد است که می گوید: و قال موسی یا قوم... (موسی به گروه مؤمنان گفت ای قوم من...) یعنی مؤمنان را به عنوان قوم من خطاب می کند.

تنها ایرادی که ممکن است بر این تفسیر بماند، این است که تمام بنی اسرائیل به موسی ایمان آوردند نه گروه کوچکی.

ولی با توجه به یک نکته این ایراد قابل دفع است، چرا که می دانیم در هرانقلابی نخستین گروهی که به آن جذب می شوند، جوانان هستند، گذشته از اینکه قلبهائی پاکتر و افکاری دست نخورده دارند، شور و جوشش انقلابی در آنها بیشتر است، به علاوه وابستگیهای مادی که بزرگسالان را به محافظه کاری و ملاحظات مختلف دعوت می کند در آنها نیست، نه مال و ثروتی دارند که از ضایع شدن آن بترسند، و نه پست و مقامی، که از به خطر افتادنش وحشت کنند!

بنابراین طبیعی است که این گروه بسیار زود جلب و جذب به موسی بشوند، و تعبیر «ذریه» بسیار با این معنی متناسب است.

به علاوه بزرگسالانی هم بعدا به این گروه ملحق شدند به خاطر اینکه نقشی در جامعه آن روز نداشتند و ضعیف و ناتوان بودند، این تعبیر - چنانکه از ابن عباس نقل شده - در مورد آنان چندان بعید نیست، درست مثل این است

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۷

که وقتی افراد عادی و معمولی از دوستان خود را دعوت می کنیم، می گوئیم برو بچه ها دعوت داشتند، هر چند بزرگسال بوده باشند! و اگر این تعبیر رابعید بدانیم احتمال اول به قوت خود باقی است.

علاوه بر این ذریه گر چه معمولا به فرزندان اطلاق می شود ولی از نظر ریشه لغوی - چنانکه «راغب» در کتاب مفردات گفته: صغیر و کبیر هر دو را شامل می گردد.

نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که منظور از «فتنه» که از جمله آن یفتنهم استفاده می شود، منحرف ساختن از دین و آئین موسی بر اثر تهدید و ارباب و شکنجه بوده است و یا به معنی هر گونه تولید ناراحتی و درد سر اعم از دینی و غیر دینی.

به هر حال موسی برای آرامش فکر و روح آنها با لحنی محبت آمیز به آنان گفت: «ای قوم من اگر شما به خدا ایمان آورده اید، و در گفتار خود و ایمان و اسلام خود صادقید، باید بر او توکل و تکیه کنید» از امواج و طوفان بلانهراسید، چرا که ایمان از توکل جدا نیست (و قال موسی یا قوم ان کنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا ان كنتم مسلمين).

حقیقت «توکل» واگذاری کار به دیگری و انتخاب او به وکالت است. مفهوم توکل این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد، و به گوشه‌انزوا بخزد و بگوید تکیه گاه من خدا است، بلکه مفهوم آن این است که هرگاه نهایت تلاش و کوشش خود را به کار زد و نتوانست مشکل را حل کند و موانع را از سر راه خود کنار زند، وحشتی به خود راه ندهد، و با اتکاء به لطف پروردگار و استمداد از ذات پاک و قدرت بی پایان او، ایستادگی به خرج دهد، و به جهاد پیگیر خود همچنان ادامه دهد، حتی در جایی که توانائی دارد نیز

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۶۸

خود را بی نیاز از لطف خدا نداند، چرا که هر قدرتی هست بالاخره از ناحیه او است. این است مفهوم توکل که از ایمان و اسلام نمی‌تواند جدا باشد، چرا که یک فرد مؤمن و تسلیم در برابر فرمان پروردگار، او را بر هر چیز قادر و توانا، و هر مشکلی را در برابر اراده او سهل و آسان می‌داند، و به وعده‌های پیروزی او اعتقاد دارد. این مؤمنان راستین دعوت موسی را به توکل اجابت کردند، «و گفتند ماتنها بر خدا توکل داریم» (فقالوا علی الله توکلنا). سپس از ساحت مقدس خدا تقاضا کردند که از شر دشمنان و وسوسه‌ها و فشارهای آنان در امان باشند، و عرضه داشتند «پروردگارا ما را وسیله فتنه و تحت تاءثیر و نفوذ ظالمان و ستمگران قرار مده» (ربنا لا تجعلنا فتنة للظالمین). «پروردگارا ما را به رحمت خود از قوم بی ایمان رهائی بخش» (و نجنا برحمتک من القوم الکافرین). جالب اینک که فرعون در آیه نخست از «مصرفین» و در سومین آیه او و اطرافیانش به عنوان «ظالمین» و در آخرین آیه به عنوان «کافرین» توصیف شده‌اند. این تفاوت تعبیرها شاید به خاطر این باشد که انسان در مسیر گناه و خطا نخست از «اسراف» یعنی تجاوز از حدود و مرزها شروع می‌کند، بعد بنای ستمکاری می‌گذارد و سرانجام کارش به کفر و انکار منتهی می‌گردد!

آیه ۸۷ - ۸۹

آیه و ترجمه

۸۷ و اوحینا الی موسی و اءخیه ان تبوءا لقومکما بمصر بیوتا و اجعلوا بیوتکم قبله و اقموا الصلوة و بشر المؤمنین  
۸۸ و قال موسی ربنا انک ائتیت فرعون و ملاه زینة و اءمولا فی الحیوة الدنیاربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی اءمولهم و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم  
۸۹ قال قد اجیبت دعوتکما فاستقیما و لا تتبعان سبیل الذین لایعلمون

ترجمه :

۸۷ - و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود خانه‌هائی در سرزمین مصر انتخاب کنید، و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید، و نماز را بر پا دارید، و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروزمی‌شوند).

۸۸ - موسی گفت پروردگارا تو فرعون و اطرافیان‌ش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده‌ای و نتیجه‌اش این شده که (بندگان را) از راه تو گمراه می‌سازند، پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل‌هایشان را سخت (وسنگین) ساز، تا عذاب دردناک را نبینند ایمان نیاورند.  
۸۹ - فرمود: دعای شما پذیرفته شد، استقامت بخرج دهید و از راه (ورسم) کسانی که نمی‌دانند تبعیت نکنید

تفسیر:

مرحله چهارم دوران سازندگی برای انقلاب

در این آیات مرحله دیگری از قیام و انقلاب بنی اسرائیل بر ضد فراعنه تشریح شد

نخست اینکه خداوند می‌فرماید: «ما به موسی و برادرش وحی فرستادیم که برای قوم خود خانه‌هائی در سرزمین مصر انتخاب کنید» (و اوحینا الی موسی و اخیه ان تبوءا لقومکما بمصر بیوتا).  
و مخصوصا «این خانه‌ها را نزدیک به یکدیگر و مقابل هم بسازید» (واجعلوا

بیوتکم قبله).

سپس به خود سازی معنوی و روحانی پردازید «و نماز را بر پا دارید» و از این طریق روان خود را پاک و قوی نمائید (و اقيموا الصلوة). و برای اینکه آثار ترس و وحشت از دل آنها بیرون رود، و قدرت روحی و انقلابی را باز یابند «به مؤمنان بشارت ده بشارت به پیروزی و لطف و رحمت خدا» (و بشر المؤمنین).

از مجموع این آیه استفاده می شود که بنی اسرائیل در آن زمان به صورت گروهی پراکنده، شکست خورده، وابسته و طفیلی، و آلوده و ترسان بودند، نه خانه ای از خود داشتند و نه اجتماع و تمرکزی، نه برنامه سازنده معنوی داشتند و نه شهامت و شجاعت لازم برای یک انقلاب کوبنده! لذا موسی و برادرش هارون مأموریت یافتند که برای بازسازی اجتماع بنی اسرائیل مخصوصاً از نظر روحی برنامه ای را در چند ماده پیاده کنند:

۱ - نخست به امر خانه سازی و جدا کردن مسکن خویش از فرعونیان همت بگمارند، این کار چند فایده داشت:

یکی اینکه آنها با مالک شدن مسکن در سرزمین مصر علاقه بیشتری به دفاع از خود و از آن آب و خاک پیدا می کردند.

دیگر اینکه از زندگی طفیلی گرا در خانه های قبطیان به یک زندگی مستقل، منتقل می شدند.

و دیگر اینکه اسرار کارها و نقشه های آنها به دست دشمنانشان نمی افتاد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۷۱

۲ - خانه هایشان را مقابل یکدیگر و نزدیک به هم بسازند، زیرا قبله در اصل به معنی حالت تقابل می باشد، و اطلاق کلمه قبله بر آنچه امروز معروف است در حقیقت معنی ثانوی برای این کلمه است.

این کار کمک مؤثری به تمرکز و اجتماع بنی اسرائیل می کرد، و می توانستند مسائل اجتماعی را بطور عمومی مورد بررسی قرار دهند، و به عنوان انجام مراسم مذهبی دور هم جمع شوند و برای آزادی خویش نقشه های لازم را طرح نمایند.

۳ - توجه به عبادت و مخصوصاً نماز که انسان را از بندگی بندگان جدا، و به خالق همه قدرتها پیوند می دهد، قلب و روح او را از آلودگی گناه می شوید و حس اتکای به نفس را در آنان زنده می کند و با تکیه بر قدرت پروردگار، روح

تازه‌ای به کالبد انسان می‌دمد.

۴ - به موسی به عنوان یک رهبر دستور می‌دهد که دست در درون زوایای روح بنی اسرائیل بیفکند و زباله‌های ترس و وحشت را که یادگار سالیان دراز بردگی و ذلت بوده است بیرون بکشد، و از طریق «بشارت دادن به مؤمنان» به فتح و پیروزی نهائی و لطف و رحمت پروردگار اراده آنها راقوی و شهامت و شجاعت را در آنها پرورش دهد.

جالب اینکه بنی اسرائیل از فرزندان یعقوبند و گروهی از آنها طبعاً از فرزندان یوسفند که او و برادرانش سالیان دراز بر مصر حکومت داشتند و درآبادی و عمران این سرزمین کوشیدند، اما بر اثر نافرمانی خدا و بی خبری و اختلافات داخلی روزگارشان به چنین وضع رقت باری رسیده بود، این جامعه

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۷۲

فرسوده مصیبت زده باید نوسازی شود، و نقاط منفی خود را پاک کند، و به جای آن خصائل روحی سازنده بنشانند تا عظمت گذشته را باز یابد. سپس به یکی از علل طغیان فرعون و فرعونیان اشاره کرده و از زبان موسی چنین می‌گوید: «پروردگارا تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموال درزندگی دنیا بخشیده‌ای» (و قال موسی ربنا انک آتیت فرعون و ملاه زینه و اموالا فی الحیوة الدنیا).

«اما سرانجام این ثروت و تجملات و عاقبت کارش این شده که آنها بندگان را از راه تو منحرف و گمراه می‌سازند» (ربنا لیضلوا عن سبیلک).

«لام» در «لیضلوا» به اصطلاح «لام عاقبت» است، یعنی

یک جمعیت ثروتمند اشرافی تجمل پرست، برای گمراه ساختن مردم از راه خدا خواه‌ناخواه کوشش خواهند کرد و پایان کارشان چیزی جز این نخواهد بود، چرا که دعوت پیامبران و برنامه‌های الهی مردم را بیدار و هشیار و متحد و متشکل می‌سازد، و با این حال مجال بر غارتگران و چپاولگران تنگ خواهد شد و روزگار بر آنها سیاه، آنها نیز از خود واکنش نشان می‌دهند و به مخالفت با پیامبران بر می‌خیزند.

سپس موسی (علیه‌السلام) از پیشگاه خدا تقاضا می‌کند و می‌گوید: «پروردگارا! اموال آنها را محو و بی اثر ساز» تا نتوانند از آن بهره گیرند (ربنا اطمس علی اموالهم).

«طمس» در لغت به معنی محو کردن و بی خاصیت نمودن چیزی است، و

جالب اینکه در بعضی از روایات وارد شده که پس از این نفرین، اموال فرعونیان به صورت سفال و سنگ در آمد، شاید کنایه از این باشد که آنچنان بحران اقتصادی دامانشان را گرفت که ارزش ثروت‌هایشان به کلی سقوط کرد، و همچون سفال

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۷۳

بی قیمت شد!

بعد اضافه کرد:

«پروردگارا علاوه بر این، قدرت تفکر و اندیشه را نیز از آنان بگیر» (واشدد علی قلوبهم).

چه اینکه با از دست دادن این دو سرمایه، آماده زوال و نیستی خواهند شد و راه ما به سوی انقلاب و وارد کردن ضربه نهائی بر آنان بازمی‌گردد.

خداوند! اگر من از تو درباره فرعونیان چنین می‌خواهم نه به خاطر روح انتقام‌جوئی و کینه‌توزی است، بلکه به خاطر این است که آنها دیگر هیچگونه آمادگی برای ایمان ندارند «و تا عذاب الیم تو فرا نرسد ایمان نیاورند» (فلا يؤمنوا حتی یروا العذاب الیم).

البته پیداست که ایمان بعد از مشاهده عذاب - چنانکه بزودی خواهد آمد - نیز برای آنها سودی نخواهد داشت.

خداوند به موسی و برادرش خطاب کرد که اکنون که شما آماده تربیت و سازندگی جمعیت بنی اسرائیل شده‌اید، «دعایتان نسبت به دشمنانتان اجابت شد» (قال قد اجیبت دعوتکما).

«پس محکم در راه خود بایستید و استقامت به خرج دهید» و از انبوه مشکلات نهراسید و در کار خود قاطع باشید (فاستقیما).

و هرگز در برابر پیشنهادهای افراد نادان و بی خبر تسلیم نشوید «و از راه جاهلان نروید» بلکه کاملاً آگاهانه برنامه‌های انقلابی خود را ادامه دهید (و لا تتبعان سبیل الذین لا یعلمون).

